انترناسیونال ۶۲۷

اصغر کریمی

**مبارزه مردم عراق، گرهگاهها و شاخص های پیشروی**

مبارزه توده ای و آزادیخواهانه مردم عراق در دو ماه گذشته، نقطه عطف مهمی در تحولات سیاسی این کشور بوده است. چهره این جامعه را تغییر داد. اعتماد بنفس را در صفوف مردم و هزاران فعالی که در هدایت این اعتراضات نقش دارند بالا برد. مردم بستوه آمده از جهنم حاکم بر عراق را به هم نزدیک کرد، نشان داد که عراق فقط صحنه تاخت و تاز دزدان و غارتگران، جنایتکاران اسلامی و یک حکومت قومی مذهبی عقب مانده نیست. ضربه محکمی به جریانات اسلامی و بطور کلی به اسلام سیاسی در عراق و ایران و کل منطقه زد. این مبارزات همچنان ادامه دارد و هر جمعه به اوج خود میرسد. اما این مبارزات علیرغم پیشروی هایی که به آن خواهم پرداخت، در ظاهر امر بنظر میرسد که دارد درجا میزند. موفق نشده است سکوت بیشرمانه رسانه های بین المللی را درهم شکند، به اشکال دیگری از مبارزه از جمله اعتصابات عمومی و غیره فرا برود، به پلاتفرمی روشن مجهز شود و سنگرهای تازه ای فتح کند. آیا واقعا درجا زده است؟ اگر اینطور است علت چیست؟ پیشروی ها چه بوده است؟ محدودیت ها چیست؟ نگرانی های مردم چیست و شاخص های پیشروی مبارزه مردم کدام است؟

تظاهرات های توده ای و بزرگ مردم در بغداد و شهرهای بزرگ عراق با شعار سکولاریسم نه شیعی نه سنی و خواست یک دولت مدنی بعنوان شعار محوری مردم شروع شد و امروز در کنار این شعار خواست نان، آزادی، دولت مدنی و عدالت اجتماعی به هویت اصلی این اعتراضات تبدیل شده است. در تظاهرات تمام شهرها بخشی از پلاکاردها و شعارها علیه تجار فاسد دین و سران گروههای مسلح اسلامی مانند حکیم و مقتدا صدر و خزعلی و نماینده سیستانی است. به اسم دین ما را غارت کردید ورد زبان توده های مردم شده است. همینطور خواست محاکمه فاسدین از جمله بسیاری از مقامات حکومت مانند مالکی نخست وزیر پیشین و معاون نخست وزیر کنونی، رئیس قوه قضاییه و استعفای تعداد قابل توجهی از مقامات و محاکمه آنها از استاندارها تا نمایندگان مجلس، یک خواست محوری در این اعتراضات را تشکیل میدهد. این شعارها یا خواست ها بطور روشنی کل حکومت قومی مذهبی در عراق را نشانه گرفته است. در عراق یک حکومت مذهبی قومی سر کار است. نخست وزیر شیعه، رئیس پارلمان سنی و رئیس جمهور کرد سه مقام بالای حکومتند و کل ساختار حکومت به این ترتیب اسلامی قومی است. شعار سکولاریسم نه شیعی نه سنی علیه کل این ساختار است. نه تنها فعالین این اعتراضات بلکه توده های وسیع مردم، هیچ تردیدی ندارند که با هیچ دار و دسته حکومت فعلی، حتی اصلاحات قابل توجهی هم به عمل نمیاید چه برسد به سکولاریسم و رفع فساد و یا بهبود وضعیت اقتصادی و رفاهی مردم.

اما در عراق کنونی تنها یک حکومت مرکزی وجود ندارد. وضعیت متعارفی حاکم نیست. شیرازه جامعه در هم کوبیده شده و انواع دار و دسته های مسلح مشغول تاخت و تاز و سرکوب و چپاول و جنایت اند. جیش المهدی و جیش البدر و حزب الله و عصائب اهل الحق که در مجموعه ای بنام حشد الشعب (شبیه نیروی بسیج جمهوری اسلامی) جمع شده اند، دهها هزار نیروی مسلح دارند و با جمهوری اسلامی هم رابطه نزدیکی دارند. داعش نیز بر بخش قابل توجهی از عراق حکومت میکند و نیروی مسلح قابل توجهی در اختیار دارد. فعالین اعتراضات بخوبی میدانند که سرنگونی در شرایط امروز عراق یعنی نه تنها سرنگونی حکومت اسلامی عشیره ای بلکه همچنین یعنی جارو کردن بساط کل جریانات اسلامی مانند مقتدا صدر و حکیم و سیستانی و داعش. و این بدون یک نیروی مسلح توده ای و یک رهبری سیاسی که در میان مردم عراق اتوریته و نفوذ داشته باشد و بتواند ظرفیت عظیمی را به حرکت درآورد، عملی نمیشود. یک رهبری که قادر باشد خواست مشروع مردم عراق را به افکار عمومی در سطح منطقه و در سطح بین المللی بشناساند، چهره های شناخته شده داشته باشد، با رسانه ها مصاحبه کند، مردم عراق را همه جا نمایندگی کند، حتی حمایت دولت هایی را جلب کند و یا لااقل مزاحمت خیلی از دولت ها را خنثی کند و به یک نیروی سیاسی قابل توجه، با اعتماد بنفس و پلاتفرم روشن برای تشکیل حکومت بعدی تبدیل شود. این فاکتورها امروز در عراق وجود ندارد. به همین علت است که فعالین و شبکه هایی که در هدایت و سازماندهی اعتراضات کنونی نقش ایفا میکنند دست به عصا راه میروند، با احتیاط عمل میکنند، طرح حمله به مراکز دولتی را هنوز در دستور نگذاشته اند و حتی در شعارها و خواست هایشان تناسبی را نگه میدارند. به این معنی علیرغم اینکه سرنگونی کل حکومت و دار و دسته های قومی و اسلامی خواست قلبی مردم عراق است و شعارهای مردم عمق نفرت از کل حاکمان امروز عراق را نشان میدهد، با اینهمه بدلایلی که اشاره شد جنبش اعتراضی کنونی هنوز قادر به رفتن برای سرنگونی نیست. اینرا شرایط غیر متعارفی که اشاره کردم از یکطرف و از طرف دیگر جوان بودن این جنبش و فقدان یک رهبری پرقدرت و با نفوذ به مردم و شبکه های فعالین تحمیل کرده است.اگر اینطور است پیشروی مردم را امروز چگونه باید توضیح داد؟ اهداف فوری تظاهرات های جاری در عراق چیست؟ شاخص های پیشروی کدامند؟‌

اهداف فوری و شاخص های پیشروی در هر دوره را اساسا باید در راستای هدف اصلی مردم دید. و هدف چیزی جز جمع کردن بساط کل حکومت قومی اسلامی عراق و میلییشای مسلح در عراق و ایجاد حکومتی سکولار و غیر قومی مذهی و نظامی مبتنی بر برابری و رفاه عمومی نیست. لازمه تحقق این هدف شکل دادن به یک نیروی چپ، متشکل شدن هر چه بیشتر کارگران و مردم در شوراها و تشکل های اعمال اراده مستقیم در محلات شهرها و مراکز کار و تحصیل، داشتن رهبران شناخته شده در عرصه جنبش کارگری، جنبش آزادی زن و سایر جنبش های اعتراضی و حق طلبانه و نیز مجهز شدن مردم به مطالبات روشن رفاهی و سیاسی است. چپ به معنی اجتماعی و سیاسی کلمه باید به یک بازیگر صحنه سیاسی در عراق تبدیل شود. الان اینطور نیست. میدانداران سیاسی در عراق نیروهای مذهبی و قومی هستند. جنبش جاری مردم عراق هرچند چهره عراق را تغییر داده و چهره های حکومتی و مذهبی را سکه یک پول کرده است و ترس و وحشت را به جان دشمنان مردم انداخته است، اما باید به خود تعین بدهد تا به فاکتوری تعیین کننده، غیر قابل صرفنظر، با ثبات، مطرح در عراق و در سطح بین المللی تبدیل شود. چپ و نیروی سکولار باید به معنی اجتماعی و وسیع کلمه به یک نیروی سیاسی متحد و متشکل با هویت روشن تبدیل شود. جنبش کارگری باید متشکل شود و از توانایی لازم برای اعتصابات بزرگ و سراسری برخوردار شود، رهبران شناخته شده داشته باشد، خواست های اقتصادی خود و خواست های عموم جامعه مانند آزادیهای سیاسی و برابری زن و مرد و لغو مجازات اعدام و طب و تحصیل رایگان و سایر مطالبات فوری و مهم مردم را نمایندگی کند. جنبش آزادی زن باید نیرو گرد آورد و سازمان های توده ای خود را ایجاد کند. جنبش دانشجویی، جنبش آتئیستی و سایر جنبش های حق طلبانه هرکدام باید حول پلاتفرم های روشنی شکل و شمایل پیدا کنند و شبکه های بزرگی از فعالین در این جنبش ها پا بگیرد. نیروی مسلح وسیع و توده ای باید شکل بگیرد. و در راس همه اینها باید یک رهبری سیاسی شناخته شده و معتبر بعنوان نماینده کارگران و مردم عراق شکل بگیرد.

به یک معنی باید مبارزات مردم در زمینه های مختلفمتعین تر شود، نهادها و تشکل های متعدد خود را ایجاد کند و به خواست های روشن تر و به رهبری شکل گرفته و شناخته شده مجهز شود. و در مقابل، دولت و دار و دسته های مسلح اسلامی یعنی دشمنان بلافصل مردم بحرانی تر، ضعیف تر و بی اعتماد بنفس تر شوند. به هر درجه این اهداف متحقق شود مردم عراق را در موقعیت بهتری برای تداوم مبارزه و تحمیل خواست های خود به دولت و سرمایه داران قرار خواهد داد. اینها شاخص های پیشروی در شرایط کنونی است. یعنی مردم قوی تر، متحدتر، سازمان یافته تر و روشن تر و رهبرانشان شناخته شده تر و معتبرتر باشند و دولت و دار و دسته های مسلح ارتجاعی و شخصیت هایشان ضعیف تر و بی آبروتر.

یکی از دستاوردهای مهم مردم در طول هفته های گذشته یکپارچه شدن علیه جریانات اسلامی، راه ندادن دار و دسته مقتدا صدر به درون تظاهرات و صفوف مردم، تظاهرات مقابل مقر آیت الله حکیم و سنگ باران کردن نماینده سیستانی و منزوی کردن هرچه بیشتر آنها، شعارهای علیه جمهوری اسلامی ایران و عمومی شدن شعارهای سکولاریستی و شعارهای ضد مذهبی علیه تجار دین و فرقه های اسلامی بوده است. تودهنی به امثال سیستانی بوده است که تلاش عبثی کردند تا خود را صاحب این اعتراضات نشان بدهند. این یک جبهه مهم و حیاتی مبارزه مردم عراق است.کوته بینی عجیبی میخواهد که کسی این شعارها را لیبرالی و دمکراتیک ارزیابی کند و این مبارزات را تخطئه کند یا این اعتراضات را بخاطر طرح این شعارها کم اهمیت جلوه بدهد. این شعارها مال جریانات لیبرال و حقوق بشری و اصلاح طلبان نیست. "نه شیعی نه سنی، سکولاریسم و مدنیت"استراتژیک ترین و هوشیارانه ترین شعار این دوره مردم هم در مقابل دولت، هم در مقابل دار و دسته های مسلح شیعی و داعش و نیروهای قومی و هم پرچم اعتراض به اشغال عراق و در هم کوبیدن شیرازه مدنی جامعه است.سنگر سکولاریسم و هر کارگر و زحمتکشی در عراق است. متحدکننده ترین شعار مردم است. منزوی کردن مهمترین دشمنان مردم را هدف گرفته است و این یک شاخص مهم پیشروی مردم عراق در شرایط کنونی است.

اگر کاری در این راستا هنوز لازم است این است که شعور عمومی توده های مردم نسبت به سکولاریسم تعمیق و روشن تر شود، جوانب مختلف آن باز شود و بصورت یک پلاتفرم چند ماده ای به خواست مشترک مردم و بویژه فعالین سیاسی تبدیل شود. بعنوان مثال منحل شدن تمام دار و دسته های مسلح گروههای اسلامی، قطع هر نوع کمک دولتی به نهادها و شخصیت های مذهبی، محاکمه سران این گروهها که یک پای قربانی کردن مردم بوده اند، آزادی کامل مذهب و بی مذهبی و جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش و سیستم قضایی، مصادره اموالی که توسط نهادها و شخصیت های مذهبی بالا کشیده شده و لغو تمامی قوانین ضد زن، لغو قوانین قصاص و سایر قوانین مبتنی بر مذهب باید به خواست های عمومی تبدیل شوند. به یک معنی مردم باید درک عمیق و همه جانبه ای نسبت به خواست سکولاریستی خود داشته باشند. این وظیفه ای بدوش کمونیست ها است که نقد عمیقی به مذهب و اسلام سیاسی دارند.

به موازات این شعارها، برکناری بسیاری از مسئولین دولتی و محاکمه مقامات فاسد حکومت، یک محور دیگر شعارها و مطالبات توده های مردم است که مردم را متحدتر و دولت و مقاماتش را بی اعتبارتر میکند و تا همین جا بسیار بی آبروتر کرده است. باید بر خواست افشا و محاکمه فاسدان تاکید گذاشت. همینطور باید سایر خواست های فوری سیاسی و خواست های اقتصادی توده های مردم را به پرچم اعتراضات تبدیل کرد و به هر درجه ممکن آنها را به حکومت تحمیل کرد. هر درجه عقب نشینی دولت حتی عقب نشینی های جزئی در مقابل مردم، از محاکمه مقامات و افشای دزدی های آنها تا تامین خواست های اقتصادی مردمبه مردم اعتماد بنفس بیشتر میدهد و پیشروی بیشتر را در چشم توده های مردم امکانپذیرتر میکند. مردم باید احساس کنند که هر هفته سنگرهای کوچک و بزرگی را دارند فتح میکنند. این از نظر روانشناسی مبارزه توده ای بسیار حائز اهمیت است.

مبارزات مردم تا همینجا از نظر سیاسی دستاوردهای بسیار مهمی داشته است. اسلام سیاسی را زیر ضرب گرفته و دولت و مقامات را بی اعتبارتر و ناتوان تر کرده است. اما باید در نظر داشت که مبارزه مردم عراق هرچند با قدرت ولی همانطور که بالاتر توضیح دادم در شرایط دشواری شروع شده است. هنوز جوان است. زمان لازم دارد که بر محدودیت های خود غلبه کند، بخش های بیشتری از مردم بویژه طبقه کارگر را فعالانه وارد میدان کند، سنگرهای بیشتری را تسخیر کند و آماده سرنگونی شود. بویژه در غیاب یک نیروی موثر برای رهبری همه جانبه این مبارزه، کار بسیار دشوارتر بوده است. احزاب و گروههای چپ و کمونیست هنوز نتوانسته اند نقش قابل توجهی در جلب اعتماد مردم و رهبری این اعتراضات داشته باشند. شبکه هایی که در نقش هماهنگ کننده و هدایت کننده این اعتراضات هستند، هرچند با درایت زیادی عمل کرده اند اما از نظر عملی و فکری و برنامه ای هنوز فاقد یک استراتژی روشن هستند. به همین دلیل هنوز اتحاد پایدار و سازمانی ندارند و تمرکز لازم را در هیئت یک سازمان یا حزب سیاسی ندارند. این خلاء باید پر شود. متشکل شدن در یک حزب سیاسی رادیکال و کمونیست حیاتی ترین وظیفه فعالین انقلابی و رادیکال در عراق است.

چند اقدام فوری دیگر نیز حیاتی است. داشتن یک رسانه قوی نوشتاری و همینطور تلویزیونی با پوشش قوی حیاتی است. بویژه در شرایطی که رسانه های بین المللی هیچ پوششی به حرکت مردم عراق نمیدهند و تک و توک رسانه محلی و عرب زبان بدرجه ای پوشش میدهند که بتوانند روایت بورژوایی خود را به مردم قالب کنند رفع این کمبود عاجل تر است.

تلاش برای متشکل کردن مردم در ارگانهای اعمال اراده مستقیم آنها در محلات و شهرها و مراکز کار و تحصیل هرجا و به هر درجه امکانپذیر باشد. جنبش اعتراضی در عراق باید این گام را بردارد و مردم را بسمت متشکل شدن هدایت کند.

فعالیت بین المللی یک وجه مهم دیگر است. صدای مردم عراق باید در سطح بین المللی و بطور مدام و هر روز شنیده شود. به این منظور لازم است که بویژه عراقی های مقیم کشورهای دیگر را فراخوان داد، فعال کرد و سازمان داد. گوش شنوای زیادی در سطح بین المللی وجود دارد اما باید بلندگویی باشد که که افکار عمومی را تغذیه کند.

و مهمتر اینکه باید تبیین درستی از این مبارزه، نقاط گرهی، موانع و گامهای بعدی ارائه داد، به مردم افق داد و نقشه راه نشان داد و توده های وسیع مردم و افکار عمومی را برای غلبه بر موانع به میدان آورد. طبقه کارگر، از کارگران مراکز صنعتی تا معلمان و کارکنان ادارات مختلف،هنوز بطور متشکل به میدان نیامده اند. داشتن یک افق روشن برای پیروزی است که آنها را وارد عمل میکند و زمینه برای اعتصابات عمومی بعنوان یک رکن مهم دیگر مبارزه در عراق فراهم میکند و جنبش اعتراضی را دهها گام به جلو میبرد. این اقدام است که میتواند کمر حکومت را بشکند و دستگاههای دولتی و حتی ابزار سرکوب را فلج کند. در این مرحله است که بخشی از نیروهای مسلح دولتی نیز به مردم ملحق خواهند شد.

کمونیست های عراق و احزاب و محافل کمونیستی در عراق باید برای شکل دادن به یک قطب چپ و سکولار پیشقدم شوند و شبکه های فعالین را به حضور فعال در این قطب ترغیب کنند. این قدم مهمی در جهت شکل گیری یک رهبری متمرکز و قدرتمند در عراق است. این مرکزی خواهد شد برای تبدیل شدن به رهبر مبارزات مردم، برای تبیین مبارزه انقلابی مردم، متشکل کردن مردم، شکل دادن به رسانه های قابل توجه، تعمیق خواست های انقلابی مردم، توده ای کردن خواست های فوری و پایه ای مردم در قالب پلاتفرم های مطالباتی و سیاسی روشن،بسیج افکار عمومی در خارج عراق و فعالیت بین المللی و هدایت نقشه مند اعتراضات کنونی. جنبش انقلابی مردم عراق به چنین تمرکزی نیاز حیاتی دارد.